

کوتاهترین حکومت‌های تاریخ

تاریخ، سرشار است از حاکمانی که مدتی طولانی پس از به تخت نشستن، فرصت یافتند که حکومت کنند. یکی‌اش ناصرالدین‌شاه قاجار.



اما موارد جالب‌تر، آن‌ها هستند که تلاش بسیاری برای یافتن سرحلقه‌ی قدرت کردند و روزگار، مجال کام بردن از شیرینی پیروزی را به آن‌ها نداد. در این نوشته، به ۱۰ مورد این‌چنینی می‌پردازیم که مدت حکومت حاکمان، با دلایلی غریب و حتی بدشانسی، بسیار کوتاه شد. به ترتیب که در این لیست پیش می‌رویم، این زمان کوتاه‌تر می‌شود.

۱- تزار پیتر سوم از روسیه: ۱۸۵ روز
پیتر سوم که میان مردمانش بسیار نامحبوب بود، از تاریخ ۵ ژانویه تا ۹ جولای سال ۱۷۶۲ به حکومت رسید. او به سختی قادر به سخن گفتن به زبان روسی بود و اغلب قوانین حاکمان پیشین را کنار گذاشت. همسر او، شاهزاده خانمی اهل آلمان به نام «سوفی» بود که علیه شوهرش کودتایی ترتیب داد، سرنگونش کرد و در نهایت، پیتر سوم را به قتل رساندند.

پس از آن، سوفی با نام کاترین دوم (همان کاترین کبیر) تاج‌گذاری کرد. زندگی او با پیشتر سوم، بر اساس ازدواجی مصلحتی و بدون عشق و بدون رابطه‌ی زناشویی بود، بنابراین، طبیعی است که کاترین کبیر

در سرنگونی شوهرش، ذره‌ای تردید به خود راه نداده. اما شاید یک طلاق سوزناک، رویه‌ای منطقی‌تر در این ماجرا به نظر می‌رسید.

مدت کوتاهی پس از کودتا، پیتر در قلعه‌ی «روپ‌شا» زندانی شد. در آنجا او به‌وسیله‌ی چندین مرد که به «گریگوری اورلوف»، مردی در رؤیای ازدواج با امپراتریس تازه یعنی کاترین دوم، وفادار بودند با خشونت غیرقابل وصفی، به قتل رسید. تنها با قتل پیتر بود که کاترین، اجازه‌ی ازدواج مجدد می‌یافت. چون زنی که شوهرش حتی با این وضع، عزل و زندانی شده، اما هنوز زنده‌است، نمی‌بایست ازدواج دیگری می‌کرد.



۲- ایزاک دوم از امپراتوری روم شرقی: ۱۷۹۹ روز

ایزاک دوم، نه یک بار، که دو بار بر سرزمین‌های روم شرقی تفوق یافت. اولین بار، فرصتی ۱۰ ساله برای حکومت یافت اما بار دوم، تنها ۱۷۹۹ روز بخت با او یار بود، یعنی از ۱ آگوست سال ۱۲۰۳ تا ۲۷ ژانویه‌ی ۱۲۰۴ اولین بار، حکومت ۱۰ ساله‌ی او توسط برادرش از چنگش در آمد. برادر تازه به قدرت رسیده، نام الکسیوس سوم را برای خود برگزید. او بلافاصله ایزاک نگون‌بخت را کور و زندانی کرد. ایزاک به مدت ۸ سال در قسطنطنیه اسارت را تحمل کرد تا آن که در زمان جنگ‌های صلیبی چهارم و تضعیف حکومت برادر بی‌رحم‌ش، آزاد شد.

صلیبی‌ها، از لیزاک و پسرش، الکسیوس چهارم حمایت کردند تا به قدرت برسند، اما آن‌ها در انجام تعهدات خود موفق نبودند و دیری نپایید که حمایت صلیبیون و به تبع آن، سربازان خود را از دست دادند. مدت زیادی طول نکشید که ایزاک توسط پسرخوانده‌ی برادرش از مقام خود عزل شد و این بار همراه با پسرش، مجدداً راهی زندان گردید. در

زندانیان پسر ایزاک به نحو مشکوکی خفه شد و مرد و ایزاک از شوک اندوه مرگ پسر جوانش، خود نیز فوت کرد.



۳- امپرانور یوان شیکای از امپراتوری چین: ۱۰۱ روز

در سال ۱۹۱۲ و کمی پس از آن که آخرین امپراتور چین، پویی، پس از انقلاب خین‌های از سلطنت استعفا داد، امپراتوری جدیدی با رهبری یوان شیکای در سرزمین چین شکل گرفت. او ژنرالی بود که به عنوان دومین رئیس‌جمهور موقت جمهوری خلق چین، به قدرت دست یافته بود.

اما شینگای، به دنبال تحکیم قدرت خود و پایه‌گذاری مجدد سلطنت در چین بود و این خواسته، مخالفت‌های بسیاری را برانگیخت. برنامه‌ها برای برگزاری جشن سلطنت، به تأخیر افتاد و در نهایت، جشنی برگزار نشد. با اوج‌گیری مخالفت‌ها، او دوباره حکومت چین را به جمهوری تغییر داد و امپراتوری کوتاه مدتش تنها حدود سه ماه بر چین استوار ماند. تنها از ۱۲ دسامبر ۱۹۱۵ تا ۲۲ مارچ ۱۹۱۶ شیکای دوباره به عنوان رئیس‌جمهور، شروع به خدمت کرد، البته این بار عمر او نپایید و کمی بعد از آن، فوت شد، اما عملکرد او، ایجاد ساختار جمهوری را در چین سال‌ها به تأخیر انداخت و باعث ایجاد درگیری‌های داخلی برای کسب قدرت شد. او شاید تنها امپراتوری در جهان است که توانست رئیس‌جمهور مردم خودش هم بشود!

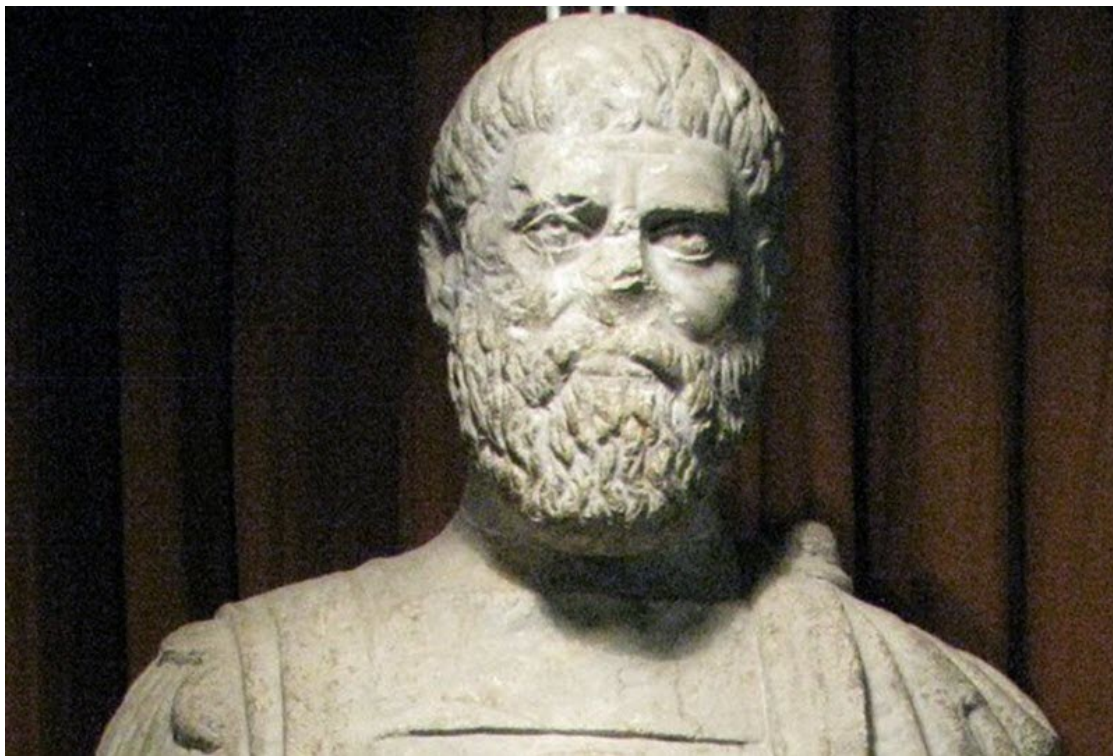


۴- امپراتور پرتیناکس از رم: ۸۶ روز

میان روزهای ۱ ژانویه تا ۲۸ مارچ سال ۱۹۳، پابلیوس هلویوس پرتیناکس در شرایطی قدرت را در رم به دست گرفت که سالی بس نابسامان بر سرزمینشان گذشت: «سالی با ۵ امپراتور!» او موفق شده بود امپراتور کومودوس را به قتل برساند. همان امپراتوری که «ژوکین فونیکس» به زیبایی در فیلم «گلادیاتور» نقشش را بازی کرد.

پرتیناکس، تلاش فراوانی کرد که اوضاع نابسامان را بهبود بخشد، اما بیشتر تلاشهای او با شکست مواجه شدند. با این وجود، موفق به آزادسازی بخشی از زندانین و رفع برخی از محدودیت‌های حاکم بر قوانین زراعت شد. تصمیم او مبنی بر ایجاد تغییراتی در تغییراتی در گارد سلطنتی افسران که با او در قتل حاکم پیشین همکاری کرده بودند، منجر به فراهم آمدن مقدمات سقوط وی شد.

اعضای گارد که از عملکرد پرتیناکس خشمگین بودند، به کاخ سلطنتی حمله کردند و این قدر او را مورد ضرب و شتم قرار دادند تا کشته شد. سپس سرش را از تنش جدا کردند، بر سر نیزه‌ای کردند و به نشانه‌ی پیروزی در خیابان‌های منتهی به قرارگاه گارد افسران، گرداندند.



۵- شاه فردریک چارلز از فنلاند: ۶۶ روز

فردریک چارلز لویس کنستانتین از هسه، از ۹ اکتبر تا ۱۴ دسامبر سال ۱۹۱۸ به عنوان پادشاه فنلاند برگزیده شد و تنها در طول این ۶۶ روز، به این نتیجه رسید که نمی‌تواند به سلطنت خود ادامه دهد و استعفا داد. به سلطنت رسیدن ولیعهد نازپرورده‌ی فنلاندی که در آلمان متولد شده بود، با مخالفت‌هایی همراه بود، آن هم در شرایطی که کمی بعد از پایان جنگ جهانی اول، تاج پادشاهی را بر سر نهد.

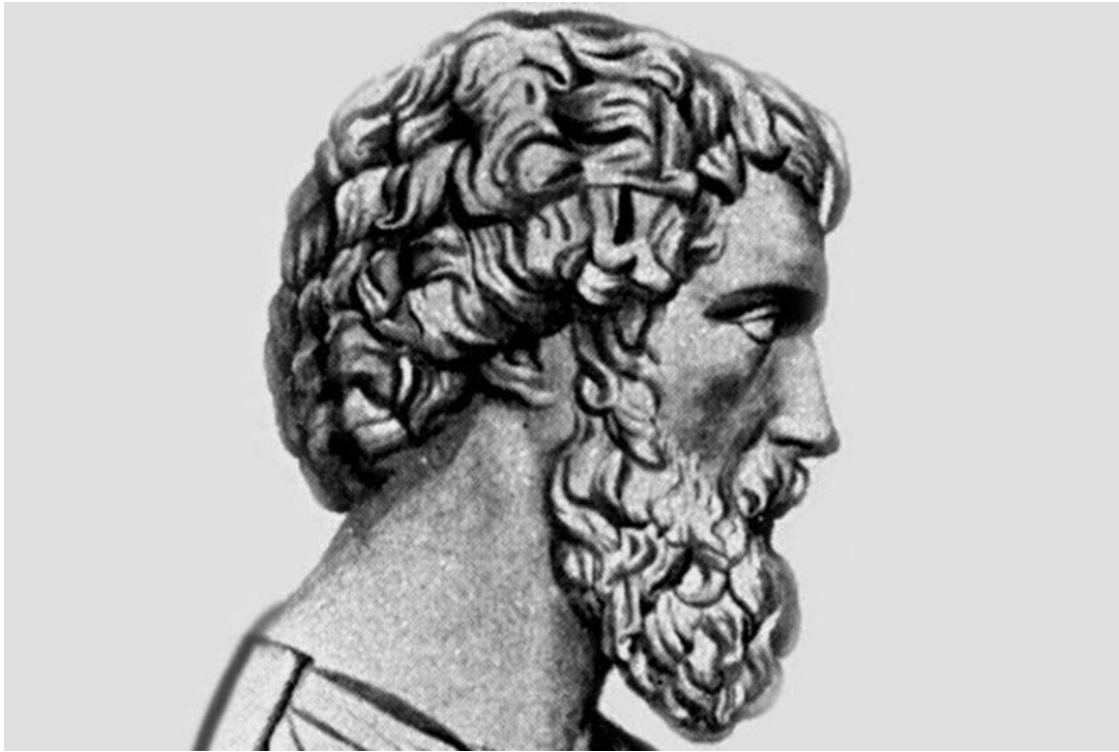
فردریک که این شرایط را درک می‌کرد، اندکی پس از استعفای ویلهلم سوم، پادشاه آلمان، از پادشاهی انصراف داد و این پایانی بر حکومت امپراتوری در آلمان محسوب می‌شود. حقیقت این است که فردریک، حتی برای پذیرش موقعیت پادشاهی هم در فنلاند مستقر نشده بود و در طول این ۶۶ روز، همچنان در آلمان اقامت داشت. حکومت پادشاهی در فنلاند، تنها دو سال بعد از آن دوام یافت و در سال ۱۹۱۹، قانون اساسی این کشور بر اساس نظام جمهوری پایه‌گذاری و تنظیم شد.



۶- امپراتور دیدیوس جولیانوس از رم: ۶۵ روز

در ادامه ماجرای ملتهد سال ۱۹۳ در رم، پس از قتل پرتیناکس توسط افسران گارد، امپراتوری رم را بین متقاضیان به ازای بالاترین قیمت به حراج گذاشتند! دو نفر در این رقابت شرکت کردند که جولیانوس با وعده پرداخت ۲۵۰۰۰ سِدرِس به هر افسر گارد، برندهی آن گردید. یعنی مجموع ۲۰۰ میلیون سِدرِس. در آن زمان، درآمد یک کارگر یا سرباز معمولی، روزانه ۴ سِدرِس بود.

مجلس سنا از ترس اقدامات ارتش، جولیانوس را امپراتور اعلام کرد، اما سلطنت او دیری نپایید. جولیانوس سرنگون شد و در تاریخ ۱ جون سال ۱۹۳، توسط جانشینش دستگیر و سپس اعدام شد.



۷- پاپ اوربان هفتم: ۱۲ روز

پاپ اوربان هفتم با طول مدت خدمت برای واتیکان از ۱۵ تا ۲۷ سپتامبر سال ۱۵۹۰، میان تمام پاپ‌ها رکورددار کوتاه‌ترین زمان کسب این مقام است. واتیکان، استیفن دوم را از مقام خود خلع کرده بود و ۳ روز عهده‌داری او در این لیست نمی‌گنجد، چرا که واتیکان این سه روز را نپذیرفت و عنوان کرد که وی، قداست خود را از دست داده بوده است.

اوربان هفتم، در شرایطی نسبتاً عادی به دلیل ابتلاء به بیماری مالاریا از مقام خود استعفا داد، با این حال، او یک رکورد دیگر هم در کتاب‌های تاریخ دارد: اولین پایه‌گذار ممنوعیت استعمال دخانیات و تنباکو که این عمل را در سال ۱۵۹۰ انجام داده است!

اوربان هفتم، با تهدید کافر دانستن هر کاتولیکی که در مسیر یا درون کلیسا تنباکو استعمال کند، چه از راه جویدن باشد و چه کشیدن با پیپ و یا از راه داخل بینی کشیدن پودر آن، این ممنوعیت را علنی کرد. البته این عمل او به دلیل نگرانی او برای سطح سلامت کاتولیک‌ها نبود، بلکه اوربان هفتم اساساً از مصرف تنباکو در محلهای یادشده تنفر داشت.



۸- امپراتور دوک دوک از ویتنام: ۳ روز

ماجرای امپراتور دوک دوک، نماینده‌ی داستان جامعه‌ای بدون بینش سیاسی است که میان زنده باد تا مرده‌باد گفتنش، فقط چند ساعت اختلاف وجود دارد و از شور، بیشتر از شعور استفاده می‌شود! او در سال ۱۸۸۳ توسط همان مردمی به قدرت رسید که ۷۲ ساعت پس از به تخت نشستنش، او را از قدرت خلع کردند. در خلال جشن تاج‌گذاری‌اش، دوک دوک به چند عمل خلاف اخلاق متهم شد.

دادگاه سریعاً حکم به مرگ او توسط سم را داد. البته احتمالاً دلایل خلع او، سیاسی بود و او سرانجام در اسارت فوت شد، اما دلایل مرگ او تا به امروز مبهم است. بهرحال، گمان می‌رود که او تنها دست‌نشانده‌ی استعمارگران فرانسوی بود. آشفتگی سیاسی ناشی از حکومت سه روزه‌ی او، نزدیک به یک دهه ادامه یافت تا در نهایت، حکومت به یکی از پسرانش برسد.



۹- امپراتور مو از چین: ۲ ساعت!

امپراتور مو از سلسله‌ی جین، که وان‌یان چینگلین نام داشت، کوتاه‌مدت‌ترین امپراتوری را در تاریخ پرماجرای چین بنا نهاد. در روز ۹ فوریه‌ی سال ۱۲۳۴، او کمی پس از تاج‌گذاری‌ش، در جریان حمله‌ی مغول‌ها به چین کشته‌شد.

آن روز، او به دیدار امپراتور آیزونگ رفته‌بود. امپراتور قبلی چین که اصرار داشت چنگلین جایگاه او را بپذیرد و جانشین‌ش شود، کمی بعد، در جریان محاصره‌ی شهر کایژو، دیوارهای اطراف شهر توسط دشمن فتح شد. امپراتور آیزونگ خودکشی کرد تا به دست مغول‌ها نیفتد و جانشین‌ش با آن‌ها روبه‌رو شود.

چنگلین تنها دو ساعت فرصت حکومت بر سلسله‌ی جین را یافت. او نیروهای‌ش را بسیج کرد تا از شهر دفاع کند و در جریان نبرد، کشته شد. به این ترتیب، حکومت سلسله‌ی جین پایان یافت و سلسله‌ی مغولی یوآن بر شمال سرزمین چین، استیلا یافت.



۱۰- شاه لویی نوزدهم از فرانسه: ۲۰ دقیقه!

در روز دوم آگوست سال ۱۸۳۰، بین پذیرش سلطنت و استعفای لویی آنتوان تنها ۲۰ دقیقه فاصله ایجاد شد! پدر او نیز در جریان انقلاب ماه جولای سال ۱۸۳۰ استعفا داده بود.

در حالی که لویی آنتوان قصد داشت برگه‌های سند کناره‌گیری را امضا کند، داشت به بحث‌های همسرش که این کار را انجام ندهد و به عنوان پادشاه به کار مشغول گردد، گوش می‌داد. اما سلطنت آن‌ها، در فرانسه بسیار مورد انتقاد و نفرت عمومی واقع شده بود. در نهایت، او به این سلطنت ادامه نداد و از مقام خود کناره‌گیری نمود.

با آن که لویی نوزدهم اصلاً فرصت‌ش را نیافت تا بر فرانسه حکمرانی کند، اما بودند پیروان وفاداری که روند استعفای او را قانونی نمی‌دانستند و پدرش، شارل دهم و او را تا زمان مرگشان، پادشاهان حقیقی فرانسه می‌پنداشتند.

